

چشم انداز آسیب‌ها و تهدیدهای اجتماعی ایران

دکتر سید رضا صالحی
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی
عضو موسسه خیریه رحمان (رشد، حمایت، اندیشه)

اجتماعی سه دیدگاه عمده وجود دارد:
دیدگاه کارکردگرایی ساختی
دیدگاه کشمکش
دیدگاه کنش متقابل نمادین
براساس دیدگاه کارکردگرایی، جامعه سیستمی از بخش‌های مرتبط است که هماهنگ با یکدیگر در جهت حفظ و تعادل و توازن اجتماعی کار می‌کند. از منظر این دیدگاه هر یک از نهادهای اجتماعی نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کنند و بر نهادهای دیگر تاثیر می‌گذارند.
کارکردگرایان ساختی برای تعریف تاثیرات عناصر اجتماعی بر جامعه اصطلاحات کارکردی و کژکارکردی را به کار می‌برند. اگر عناصر اجتماعی به ثبات جامعه کمک کنند کارکردی و اگر ثبات جامعه را مختل کنند کژکارکردی هستند.
دو نظریه عمده مسایل آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی

تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های اجتماعی ایران و بررسی روند و ابعاد مختلف آن، چگونگی تحول و اولویت‌بندی آنها در زمان حال و آینده نه تنها راه را برای برنامه‌ریزی‌های ملی هموار کرده بلکه موجب می‌شود تا اقدامات استراتژیک به موقع و

جوامع در حال گذار، جوامعی هستند که به دلیل تغییرات متنوع و متعدد معمولاً با تضادهای مختلف در ساختارها و زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مواجهند. عدم تطابق و رشد ناهماهنگ عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ در این جوامع، موانع و مشکلاتی را در سازگاری اجتماعی به وجود آورده است. در چنین جوامعی افراد به سختی و به زحمت می‌توانند خود را با محیط سازگار و با تغییرات و دگرگونی‌های تازه و سریع همراه کنند.

لذا از این حیث دارای تاخرهای فرهنگی، بی‌هنجاری و ناهنجاری، کشاکش‌های مختلف اجتماعی، از خودبیگانگی و در سطحی وسیع‌تر، بی‌سازمانی و از هم گسیختگی اجتماعی هستند. این بی‌نظمی‌ها و بی‌سازمانی‌ها منجر به عدم تعادل و ثبات اجتماعی در مقاطع مختلف زمانی و افزایش آسیب‌پذیری‌ها و تحمل بحران‌های مختلف اجتماعی شده است که در صورت عدم توجه و برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند نه تنها امنیت ملی - اجتماعی که امنیت وجودی و هستی‌شناختی آنها را با تهدیدی جدی مواجه کند.

ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه و گذار از مرحله سنتی به مدرنیسم از این قاعده مستثنی نبوده و با تغییرات و دگرگونی‌های سریع و وسیعی در ساختار اصلی خود بخصوص ساختار فرهنگی و اجتماعی بوده است. در نتیجه این تغییرات شتاب‌آلود و تاخر ساختاری موجود در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی متنوعی بر جامعه ایران تحمیل شده است. به طوری که طبق گزارشات سازمان بهزیستی کشور طی سال‌های اخیر به طور متوسط هر سال ۱۵ درصد رشد آسیب‌های اجتماعی در کشور را داشته‌ایم. آسیب‌ها و تهدیداتی از قبیل بیکاری، بحران هویت، فرسایش سرمایه اجتماعی، خودکشی، افزایش جرایم جنسی و روسپی‌گری، دختران فراری، کودکان خیابانی، فرار مغزها، فقر و شکاف طبقاتی، نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی، فساد مالی و اداری، رشوه و ارتشاء قاچاق انسان، خشونت علیه زنان، طلاق، اعتیاد، تمایز نسلی، مهاجرت روستاییان به شهرها و حاشیه‌نشینی و...

از آن جا که میزان پیشرفت و توسعه هر کشوری در سایه امنیت و ثبات اجتماعی حاصل می‌شود لذا شناخت

تصمیم‌گیری‌های صحیح قبل از به وقوع پیوستن هر گونه بحران اتخاذ و تعامل و امنیت ملی و ثبات اجتماعی تا حد امکان حفظ شود.

چنانچه بپذیریم ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه با مختصات فرهنگ خاص خود نیاز به نظم و تعادل و حفظ امنیت ملی و موجودیت هستی‌شناختی خود دارد، شناخت و اولویت‌بندی تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های اجتماعی دهه آتی ایران نه تنها بسترهای مناسبی برای مواجهه اصولی و بنیادین با بحران‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد؛ بلکه از اتلاف منابع ملی و انسانی جلوگیری کرده و زمینه را برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی‌های حال و آینده با استراتژی‌ها و چشم‌اندازهای بلندمدت فراهم می‌نماید.

به طور کلی در جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌های

از دیدگاه کارکردگرایی ساختی نتیجه می‌شود. آسیب‌شناختی اجتماعی
بی‌سازمانی اجتماعی

براساس مدل آسیب‌شناسی اجتماعی مسایل اجتماعی نتیجه نوعی بیماری در جامعه است. اگر بخش‌هایی از جامعه‌ای از جمله عناصر ساختاری و فرهنگی درست عمل نکنند بیماری حاصل خواهد شد. به عنوان مثال جرم، خشونت، فقر و نابرابری از فروپاشی نهاد خانواده و بی‌کفایتی در نهادهای اقتصادی، آموزشی و سیاسی حاصل می‌شود.

این نظریه بیان می‌دارد بیماری اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که افراد جامعه آن قدر جامعه‌پذیر نشده‌اند که هنجارها و ارزش‌های جامعه را بپذیرند. لذا برای



پیشگیری از مسایل اجتماعی و حل آنها افراد باید به درستی جامعه‌پذیر شوند و آموزش‌های اخلاقی و فرهنگی مناسبی را دریافت کنند.

در نظریه بی‌سازمانی اجتماعی تاکید می‌شود که تغییرات سریع اجتماعی هنجارهای جامعه را دچار اختلال می‌کند. وقتی هنجارها ضعیف یا با یکدیگر در تعارض باشند، جامعه در وضعیت بی‌سامانی یا بی‌هنجاری قرار می‌گیرد. براساس این نظریه راه حل مسایل اجتماعی کم کردن سرعت تحولات اجتماعی و قوت بخشیدن به هنجارهای اجتماعی است.

دیدگاه کشمکش برخلاف دیدگاه کارکردگرایی ساختی که جامعه را متشکل از بخش‌های مختلف می‌بیند، جامعه را به صورت گروه‌ها و منافع مختلفی فرض می‌کند که برای دستیابی به قدرت و منافع با هم رقابت می‌کنند. دو نظریه عمده در دیدگاه کشمکش وجود دارد:

مارکسیستی

غیرمارکسیستی

نظریات مارکسیستی بر کشمکش اجتماعی ناشی از نابرابری اقتصادی تمرکز دارند و مسایل اجتماعی را نتیجه اختلاف طبقاتی، نابرابری‌های اجتماعی و احساس بی‌عدالتی می‌دانند و معتقدند بسیاری از آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی با فقر در ارتباط است. این نظریه همچنین بر از خودبیگانگی یا ضعف و بی‌معنایی مردم تمرکز دارد.

نظریات غیرمارکسیستی و کشمکش‌های اجتماعی ناشی از رقابت بر سر ارزش‌ها و منافع در بین گروه‌های اجتماعی مبتنی است. راه حل مسایل که بر اثر رقابت ارزش‌ها ایجاد می‌شوند می‌تواند شامل مواردی از جمله تضمین این‌که گروه‌های درگیر، عقاید یکدیگر را بشناسند و رفع تفاوت‌ها از طریق مذاکره یا میانجی‌گری یا پذیرفتن این تفاوت‌ها بشود باشد. با این حال نتایج این کشمکش‌ها اغلب تحت تاثیر قدرت قرار دارند و گروهی که بیشترین قدرت را دارد می‌تواند از موقعیت خود برای تاثیرگذاری استفاده کند.

دیدگاه کنش متقابل برخلاف دو دیدگاه منعکس‌کننده دیدگاه جامعه‌شناسی خود است و بر این نکته تکیه دارد که رفتار انسانی تحت تاثیر تعاریف و معانی قرار دارد که در کنش متقابل نمادین با دیگران خلق می‌شود و تداوم می‌یابد. تصویری که ما از خود داریم با مشاهده این که دیگران چگونه با ما وارد تعامل می‌شوند و برداشتی از ما دارند ساخته می‌شود.

یکی از نظریه‌های عمده دیدگاه کنش متقابل نمادین درباره مسایل و آسیب‌های اجتماعی نظریه برجسب‌زنی است. این نظریه می‌گوید یک موقعیت یا گروه اجتماعی زمانی مشکل‌ساز به نظر می‌آید که با این عنوان برجسب خورده باشد. بر اساس این نظریه گاهی حل مسایل اجتماعی شامل تغییر معانی و تعاریفی می‌شود که به افراد با موقعیت‌ها نسبت داده می‌شوند.

بر اساس دیدگاه‌های مطرح شده در جامعه‌شناسی

انحرافات، چارچوب نظری تحقیق

به منظور تعریف و شناخت آسیب‌ها و

تهدیدات اجتماعی ایران عمدتاً مبتنی بر دیدگاه کارکردگرایی ساختی بوده است. براساس این دیدگاه و تعاریف مختلفی که از آسیب‌های اجتماعی در فنون علمی انجام گرفته است. معاونت فرهنگی اجتماعی مبادرت به بازتولید مفهوم آسیب و تهدید اجتماعی کرد تا بتواند براساس این تعاریف و مبتنی بر چارچوب نظری و اطلاعات، تحقیقات و داده‌های موجود به شناخت و احصا آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران بپردازد.

تفاوت دو مفهوم آسیب و تهدید اجتماعی

آسیب اجتماعی زمانی است که امری دارای کژی کارکرد باشد و باعث یک نوع بی‌نظمی و عدم تعادل در سیستم اجتماعی شود و بخش قابل توجهی از جامعه آن را زیان‌بار دانسته و نسبت به رفع آن احساس نیاز کند.

تهدید اجتماعی نه تنها حاصل و باعث یک نوع بی‌نظمی و عدم تعادل در جامعه است، بلکه به دلیل ابعاد، گستردگی حجم با بزرگی، شدت، فوریت، پیامدهای کلان، تاثیر بر ساختار اجتماعی، نحوه هزینه و ابزار مهار کردن، در سطحی وسیع‌تر از آسیب قرار دارد و به بی‌ثباتی نظام اجتماعی می‌انجامد.

آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران

براساس تعریف احصا شده توسط معاونت فرهنگی اجتماعی، مطالعات اکتشافی و یا جمع‌آوری کلیه داده‌های موجود اعم از تحقیقات، کتاب‌ها، مقالات و نشریات مختلف سازمان‌ها و وزارتخانه‌های کشور نظیر نیروی انتظامی، وزارت کشور، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، سازمان بهزیستی و مرکز آمار ایران از طریق روش کتابخانه‌ای اسنادی، ۲۰ موضوع به عنوان عمده‌ترین آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران شناسایی و سپس با استفاده از روش روندپژوهشی داده‌های موجود و تحلیل ثانویه اطلاعات حاصل از مطالعه اکتشافی به شناخت شرایط فعلی تک‌تک موضوعات و در صورت موجود بودن آمارها و اطلاعات موثق به روند آینده آنها، بررسی علت‌های عمده به وجود آورنده این آسیب‌ها و تهدیدات، پیامدهای وجود و گسترده شدن دامنه آنها و در نهایت

پیشنهادات و راهبردهای کنترل و به تعدیل درآوردن آن پرداخته شده است.

موضوعات احصا شده شامل موارد ذیل است:

بیکاری

قاچاق انسان

تمایز نسلی

فاصله طبقاتی، نابرابری اجتماعی و فقر

وندالیسم

بحران هویت (تضاد سنت و مدرنیسم)

روسی‌گری و جرایم جنسی

خودکشی

کودکان خیابانی و کار

بوروکراسی ناکارآمد (فاسد مالی و اداری،

کلاهبرداری، رشوه و ارتشا، پارتی‌بازی)

مهاجرت روستا به شهر و حاشیه‌نشینی

فرار مغزها

طلاق

آلودگی‌های زیست‌محیطی، تخریب جنگل‌ها

و منابع طبیعی

فرسایش سرمایه اجتماعی

ایدز

زنان و دختران فراری

خشونت و آزار زنان

اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر

افزایش جمعیت

چگونگی تفکیک آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی

ایران

پس از تعیین عمده‌ترین آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران ملاک‌هایی برای تفکیک آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران به منظور اولویت‌بندی دقیق آنها جهت برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی‌های مناسب با توجه به منابع مادی و غیرمادی انجام گرفت. احصا این معیارها از طریق برگزاری نشست تخصصی آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران در دو نوبت و اجماع نظرات



کشور و مطالعات اکتشافی انجام گرفت. عمده‌ترین معیارهای تفکیک آسیب از تهدید اجتماعی شامل موارد زیر است:

- ابعاد مساله
- گسترده‌گی مساله
- حجم یا بزرگی مساله
- شدت مساله
- فوریت مساله
- پیامدهای کلان مساله
- تاثیر مساله بر ساختارهای اجتماعی
- هزینه مهار مساله
- ابزار مهار مساله
- علت‌العلل بودن مساله

بر اساس این معیارها از ۲۰ موضوع تعیین شده ۱۴ عنوان خودکشی، وندالیسم، تمایز نسلی، قاچاق انسان، طلاق، افزایش جمعیت، بحران هویت، روسپی‌گری و جرایم جنسی، ایدز، آلودگی‌های زیست محیطی، خشونت علیه زنان و کودکان، زنان و دختران فراری، کودکان خیابانی، کار و مهاجرت روستاییان به شهر و حاشیه‌نشینی از عمده‌ترین آسیب‌های اجتماعی و ۶ عنوان فرار مغزها، بوروکراسی ناکارآمد، بیکاری، شکاف طبقاتی، نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی و فقر، فرسایش سرمایه اجتماعی و اعتیاد از عمده‌ترین تهدیدات اجتماعی مرتب بر جامعه ایران است.

اولویت‌بندی آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران در دهه آتی

پس از تفکیک آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی و اجماع کارشناسان و متخصصین از طریق روش دلفی (آینده‌نگری) و گروه‌های کانونی (نشست تخصصی) به اولویت‌بندی آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی دهه آتی ایران پرداخته شد.

به منظور اجرای روش دلفی پرسشنامه‌ای طراحی گردید و در سه مرحله به جامعه آماری مورد نظر برای کسب اطلاعات و اجماع نظر آنها ارجاع داده شد، استخراج داده‌های حاصل از دلفی از طریق نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

پس از تحلیل اطلاعات پرسشنامه‌ها و همچنین برگزاری ۲ نشست تخصصی به منظور اولویت‌بندی آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران نتایج زیر حاصل شد. از میان ۲۰ محور احصاء شده از آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران به ترتیب اولویت عبارتند از:

- بیکاری ۸۴/۸ درصد
- بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی ۸۱/۸ درصد
- فرسایش سرمایه اجتماعی ۷۴/۲ درصد
- اعتیاد ۷۲/۷ درصد
- فقر ۶۹/۷ درصد
- فرار مغزها ۶۷/۷ درصد
- بوروکراسی ناکارآمد ۶۵/۶ درصد
- فاصله طبقاتی و فساد مالی و اداری هر کدام ۶۳/۶ درصد
- فقدان وجدان و تعهد کاری ۵۹/۴ درصد

رسانه‌ها جهت کاهش سطح احساس محرومیت، ناامنی و بی‌عدالتی اجتماعی تدوین استراتژی کلان و برنامه‌ریزی مدرن توسعه دولت و نهادهای ذی‌ربط جهت کاهش فرار مغزها ارتقای سرمایه اجتماعی از طریق نهادهای ذی‌ربط خصوصا افزایش سطح کارآمدی دولت (وجدان کار- روحیه تعاون- همیاری- نوع‌دوستی و...) و گسترش نهادهای مدنی در حوزه‌های مختلف و نهادمند کردن هنجارها و ارزش‌ها بخصوص ارزش‌های دینی در سطح خرد، میانه و کلان.

مقابله جدی با پدیده وندالیسم و نهیلیسم در حوزه اجتماعی

تدوین استراتژی بلند، میان و کوتاه‌مدت به منظور کاهش آلودگی‌های زیست محیطی

تدوین استراتژی کلان و برنامه‌ریزی مدون به منظور پیشگیری از مهاجرت فزاینده روستاییان به شهرها و حاشیه‌نشینی

ایجاد ساز و کار تامین اجتماعی برای حمایت از زنان سرپرست خانوار، زنان بدون سرپرست و دختران فراری

تدوین الگوی استراتژیک جهت جامعه‌پذیری صحیح افراد و ایجاد هماهنگی و تعادل میان اهم منابع جامعه‌پذیری افراد اعم از خانواده، مدرسه، اجتماع و رسانه‌های گروهی به منظور ایجاد آموزش‌های اخلاقی و فرهنگی مناسب برای افراد جامعه.

کم کردن سرعت تحولات اجتماعی و قوت بخشیدن به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه ایران با توجه به شرایط جهانی شدن و ارزش‌های اصیل اسلامی و ایرانی.

ایجاد فضای گفتگمانی در سطح نهادهای مدرسه و حتی میان گروه‌های دارای قدرت به منظور تقویت روحیه نقدپذیری و بالا بردن مهارت‌های گفتگمانی، احترام و به رسمیت شناختن عقاید دیگران.

باز تولید و احصا و تغییر معانی و تعاریف از موقعیت‌های مختلف آسیب‌زا و تهدیدزا در جامعه ایران با توجه به تغییرات ساختاری در درون جامعه و تغییرات بین‌المللی و جهانی. ▲

افزایش جمعیت ۵۸/۶ درصد

بحران هویت ۵۵/۲ درصد

حاشیه‌نشینی ۳۷/۵ درصد

پارتنری بازی ۳۲/۳ درصد

ایدز ۲۰/۳ درصد

مهاجرت روستاییان به شهر ۳۰ درصد

تمایزات نسلی ۲۷/۶ درصد

طلاق، خشونت علیه زنان، دختران فراری، قاچاق

انسان، روسپی‌گری و جرایم جنسی، وندالیسم، خودکشی،

کودکان خیابانی و کار با درصد‌های کمتر از جمله آسیب‌های

دارای اولویت بعدی بوده‌اند که در دهه آتی مرتب جامعه

ایران خواهد بود و برای این منظور باید استراتژی‌های

دقیقی برای کنترل و به تعدیل در آوردن آن اتخاذ کرد.

راهبردها و تدبیرها

تدوین استراتژی‌های بلندمدت و میان‌مدت جهت

ایجاد فرصت‌های شغلی و تعدیل نرخ بیکاری

رشد و توسعه اقتصادی با هدف کاهش نابرابری

اجتماعی و شکاف طبقاتی و رفع بی‌عدالتی اجتماعی

مقابله با فساد مالی و اداری در کلیه سطوح

تدوین استراتژی بلند، میان و کوتاه‌مدت به منظور

ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی جامعه و هشدار نسبت

به پیامدهای خطرناک اعتیاد و ناهنجاری‌های اجتماعی

ناشی از این پدیده شوم.

استفاده حداکثری از ظرفیت‌های صدا و سیما جهت

آموزش عمومی به منظور افزایش آگاهی اجتماعی و

جلوگیری از گسترش موج ناهنجاری‌هایی از قبیل راه‌های

انتقال ایدز- پیامدهای رفتارهای پرخطر نظیر جرایم

جنسی- خشونت علیه زنان و کودکان.

آموزش اجباری مهارت‌های زندگی در مدرسه و

دانشگاه جهت آشنایی صحیح دختران و پسران از نقش‌ها

و مسوولیت‌ها و مهارت‌های زیستی

افزایش سطح آگاهی‌های عمومی در مورد مساله

همسرگزینی با هدف کاهش سطح طلاق و سایر

ناهنجاری‌های مربوطه

برنامه‌ریزی نهادهای فرهنگی و اجتماعی و